

نهایه / مرحله سوم

- فروعات و ثمرات بحث

○ امر اول: نسبت ماهیت ذهنی و مقولات / دفع اشکالات مشهور وجود ذهنی

▪ (بیان امر اول)

- **تقریر ۱:** ماهیت ذهنی (= ماهیتی که به وجود ذهنی موجود است) مندرج در مقوله‌ای که در وجود خارجی مندرج در آن بود نیست، و فقط مفهوم آن مقوله را دارد.
- **تقریر ۲:** ماهیت موجود در ذهن به حمل اولی آن ماهیت است نه به حمل شایع.
- **مثال:** انسان ذهنی، مندرج در مقوله جوهر نیست، بلکه فقط مفهوم جوهر را دارد = انسان ذهنی، به حمل اولی انسان است نه به حمل شایع.

▪ مفاهیم لازم برای تبیین امر اول:

- **مقولات:** محمولات نهایی که اشیاء ذیل آنها دسته‌بندی می‌شوند.
 - **مثال:** رنگ بنفش در نهایی‌ترین تحلیل ذیل مقوله کیف قرار می‌گیرد و گفته می‌شود: رنگ بنفش کیف است. پس مقوله کیف محمول رنگ بنفش می‌شود. و محمول دیگری وجود ندارد که خود کیف موضوع آن واقع شود، پس کیف محمول نهایی است.
- **اندراج تحت مقوله:** وقتی می‌گوییم شیء الف مندرج در مقوله ب است، به این معنا است که آثار خارجی مقوله ب بر شیء الف مترتب می‌گردد.
 - **مثال:** میز - از آن جهت که جسم است - مندرج در مقوله جوهر است. (جسم یکی از اقسام مقوله جوهر است). اثر خارجی جسم آن است که در جهات سه‌گانه (طول و عرض و عمق) امتداد دارد. پس اندراج میز ذیل مقوله جوهر جسمانی به معنای آن است که میز در جهات سه‌گانه امتداد دارد.
- **آثار خارجی:** آثار خارجی شیء عبارت از کمالات اولیه و ثانویه شیء است.
 - **کمالات اولیه:** کمالات اولیه شیء آن چیزهایی است که شیء با آن خودش است یعنی همان ذاتیات و مقومات ماهیت شیء. **مثلاً:** حیوانیت و نطق کمالات اولیه انسان است.
 - **کمالات ثانویه:** کمالات ثانویه شیء آن چیزهایی است که شیء پس از تحقق ذات و هویتش پیدا می‌کند که همان اعراض و ویژگی‌های شیء است. **مثلاً:** وزن داشتن و شکل داشتن و رنگ داشتن و ضحک و تعجب و... کمالات ثانویه انسان است.

▪ بازخوانی امر اول بر اساس مفاهیم بالا

- همه اشیاء ماهوی متعلق به مقوله‌ای از مقولات هستند. ماهیت گاه وجودی پیدا می‌کند که به واسطه آن وجود، آثار خارجی (کمالات اولیه و ثانوی) ماهیت در آن وجود بر او مترتب می‌شود و ماهیت را ذیل مقوله‌ای از مقولات مندرج می‌سازد. این همان وجود خارجی ماهیت است. و همین ماهیت گاه وجودی پیدا می‌کند که به واسطه آن وجود،

فقط مفهوم (اجزاء حدی) خود را واجد است اما هیچیک از آثار و کمالات اولیه و ثانویه خود را ندارد. این همان وجود ذهنی ماهیت است.

▪ دفع یک اشکال:

- بیان اشکال: منطقیون قضیه را به اعتبار وجود موضوع به ذهنی و خارجی و حقیقی تقسیم می کنند و در قضیه ذهنیه حکم بر افراد موجود در ذهن موضوع بار می شود. پس طبق این مطلب ماهیت باید افراد ذهنی هم داشته باشد.
- دفع: این تقسیم مسامحی و برای تعلیم است و در حقیقت ماهیت هیچ فرد ذهنی ای ندارد، بلکه فرد واقعی ماهیت آن فردی است که آثار خارجی ماهیت را داشته باشد.
- مثال: «کوه طلا زرد است» کوه طلا فردی در خارج ندارد، پس فرد کوه طلا در ذهن است. اما باید توجه داشت که فرد کوه طلا در ذهن نیست بلکه صرفاً مفهوم آن در ذهن است.